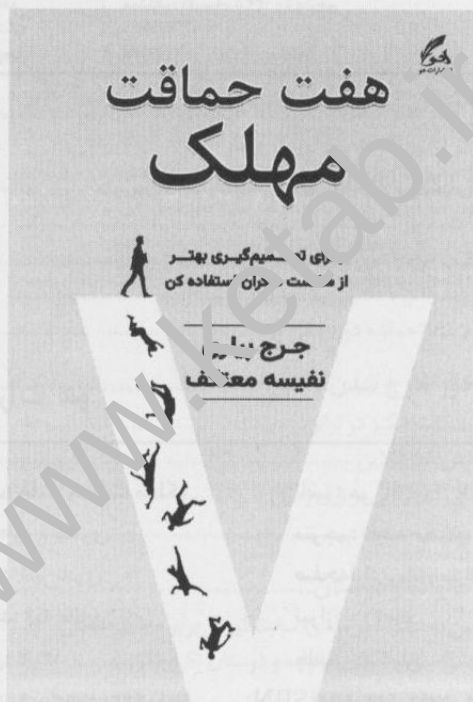


هفت حماقت مهلك

از شكست ديگران براى تصميم گيرى بهتر استفاده كن



انتشارات هو

عنوان و نام پدیدآور : هفت حماقت مهلك : از شكست ديگران براى تصميم گيرى بهتر
استفاده كن/جرچ پيلارى ؛ مترجم، نفيسه معتكف
مشخصات نشر : تهران : انتشارات هو، ۱۴۰۳
مشخصات ظاهري : ۲۱۶ ص
شابك : ۹۷۸-۶۲۲-۵۷۹۴-۰۹-۲
وضعيت فهرست نويسي : فيپا
عنوان اصلي : The seven deadly stupidities: using other people's failures to :
۲۰۲۴make better decisions,
موضوع : بلاهت -- جنبه هاى روان شناسى، تصميم گيرى - جنبه هاى روان شناسى
شناسه افزوده : معتكف، نفيسه، ۱۳۳۵ - ، مترجم
رده بندي كنگره : BJ۱۵۳۵
رده بندي ديويي : ۲/۷۷۷

انتشارات هو



نام كتاب: هفت حماقت مهلك
نويسنده: جرچ پيلارى
ويراستار: امير نادري
طراح جلد: الهه عابديني
چاپ اول: ۱۴۰۳
شابك: ۹۷۸-۶۲۲-۵۷۹۴-۰۹-۲
ISBN: ۹۷۸-۶۲۲-۵۷۹۴-۰۹-۲
ناشر: هو
مترجم: نفيسه معتكف
صفحه آرا: گروه نصرالهي
تيراژ: ۲۰۰
چاپ: پيشگامان

مرکز پخش انتشارات هو:

۰۹۱۲۶۰۸۸۴۱۵-۰۲۱۸۸۴۸۵۰۷۶-۰۹۰۲۱۴۱۴۵۵۸

فهرست

مقدمه	۷
بخش ۱: برداشتن گام بلند	۱۱
فصل ۱: توماس ادیسون لامپ روشن شد	۱۲
فصل ۲: گوگل ایکس و کانهای با گام بلند	۱۶
فصل ۳: مرد بلند پرواز	۲۲
فصل ۴: موفقیت توأم با آبروریزی	۲۷
فصل ۵: گام بلند اشتباه	۳۱
فصل ۶: از گام بلند احمقانه دوری کن	۳۳
بخش ۲: ترس از دور خارج شدن	۳۹
فصل ۷: زن شگفت انگیز در ترانز	۴۱
فصل ۸: سفارش غذا آنلاین	۵۲
فصل ۹: ارزشهای دیجیتالی پر زرق و برق	۶۴
فصل ۱۰: دوری از حماقت	۷۱
بخش ۳: تکیه بر خانواده و دوستان	۷۵
فصل ۱۱: رفتن به دانشگاه: مامان سخت گیر در برابر مامان منطقی	۷۸
فصل ۱۲: احمق نباش و روی خانواده و دوستان تکیه نکن	۹۳
بخش ۴: برای رسیدن به موفقیت، چشمانت را روی واقعیت نبند	۹۵
فصل ۱۳: تمام جوانب را بسنج: غرق شدن کشتی باری الفارو	۹۷
فصل ۱۴: راج گوپتا، رئیس سابق مک کینزی	۱۰۶
فصل ۱۵: چاره‌ای نیست: فوتبال آلاباما و مربی نیک سابان	۱۱۴
فصل ۱۶: پرهیز از حماقت با جنبه‌های مثبت یک قضیه	۱۲۱

بخش ۵: اعتماد به رسانه‌ها ۱۲۵

فصل ۱۷: بیان حقیقت: خبرنگارانی که جاسوس سیاه بودند ۱۲۹

فصل ۱۸: مقامات نظامی سابق به‌عنوان تحلیلگران تلویزیون با حقوق از پنتاگون ۱۳۲

فصل ۱۹: یک عالم راست و دروغ: داستان جیمز فری و ایرا وینفری ۱۳۷

فصل ۲۰: هرگز به رسانه‌های جمعی اعتماد نکن ۱۴۰

بخش ۶: استفاده از تفکر سریع و نامناسب ۱۴۳

فصل ۲۱: تو آنقدر با هوش نیستی: استفاده نادرست از حساب سرانگشتی ۱۴۵

فصل ۲۲: چرا نمی‌توانم پنج کیلو کم کنم؟ ۱۵۱

فصل ۲۳: دگرگونی اوضاع: مدیریت یک مصاحبه پر از ریسک ۱۵۹

فصل ۲۴: انفجار فاجعه بار تبتان توسط سرمایه‌گذاران ایجاد شده است؟ ۱۶۶

فصل ۲۵: دوری کردن از تفکر سریع و نامناسب ۱۷۹

بخش ۷: بی‌وجهی به ارزیابی مجدد ۱۸۳

فصل ۲۶: اما انش: است من هم مثل مؤسسه فرانک باشم؟ ۱۸۵

فصل ۲۷: نابینا باید: عرف اسکیلینگ، شرکت انرون ۱۹۰

فصل ۲۸: شرکت و ... و دغلکام هایش ۱۹۹

بخش ۸: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۲۰۷

فصل ۲۹: تیمسار پتروف روسی، پایان جهان ۲۰۹

مقدمه

اینکه از استباهات درس بگیری خوب است
اینکه از استباهات دیگران درس بگیری بهترین است
(وارن بافت)

تاریخ تکرار می‌شود، مثل تصمیم‌گیری بد. اصل مطلب این کتاب این است که: اگر بتوانی از هفت حماقت مرگبار جان سالم به در ببری، می‌توانی از شکست‌های دیگران بیاد زری و در نتیجه تصمیم بهتری بگیری.

چند سال پیش به هر کتابفروشی فرودگاه که می‌زدم کتاب‌های مدیریتی مشابهی را داشتند که وعده می‌دادند که اگر روش آن‌ها را دنبال کنی شغل خوبی نصیب می‌شود، عادت‌های بهتری کسب می‌کنی و سطح روابطت عالی می‌شود و صدها مطالب کلیشه‌ای دیگر که حالم از تمام این کتاب‌ها به هم می‌خورد. جالب این که مردم میلیون‌ها جلد از این کتاب‌ها را می‌خرند. به گمانم همه دوست دارند رویکردهای گام به گام مشابهی را دنبال کنند تا

زودتر به موفقیت برسند.

مشكل اصلی این است كه بسیاری از این موارد كارآیی ندارد. اگر همه طبق كتابها عمل می‌كردند و موفق می‌شدند، حدود يك میلیاردر مدیر موفق مازاد باقی می‌ماند و دیگر كسی شغل متفاوتی را انتخاب نمی‌كرد.

در اوایل كارم متوجه شدم كه میزان شكست به مراتب بیشتر از موفقیت است. آنقدر كه در كتابها در مورد متقاعد كردن افرادی كه قرار نیست شكست بخورند حرف بود كه در رابطه با ارائه محصول با کیفیت نبود. با بررسی چند عدد متوجه موضوع می‌شوی: معمولاً در يك سال حدود ۳۵۰ شركت سهام اولیه خود را به بازار عرضه می‌كنند و در يك سال هم بیش از ده هزار شركت ورشكستگی خود را اعلام می‌كنند.

باید بیشتر بگویم؟

این كتاب حاصل تجربیات و مشاهداتم به عنوان يك كارآفرین، مدیر عامل شركت دولتی، مدیر بحران و پدر پنج فرزند است. نکته کلیدی كار این است كه به جای دنبال كردن ایده‌ی موفقیت، باید از شكست‌های دیگران بیاموزی و خودت از این شكست‌ها دوری كنی. برای موفقیت نیازی نیست باهوش‌ترین یا حيله‌گرترین باشی، بلکه اگر از حماقت‌های دیگران آگاه باشی، شانس موفقیت بیشتری داری.

چرا از واژه «حماقت» در عنوان کتاب استفاده شده است؟ راحت بگویم که همه ما در مقطعی احمق هستیم. من شخصاً تمام هفت حماقتی را که مرتکب شدم را در این کتاب برای ت شرح می‌دهم، چون چوبش را هم خوردم.

یک ضرب‌المثل قدیمی می‌گوید: ۸۰ درصد موفقیت تلاش است، ولی من می‌گویم: ۸۰ درصد موفقیت به خاطر پرهیز از حماقت است. رسم نیست کسی بگوید برای رسیدن به موفقیت باید چه چیزهایی را حذف کنی. بلکه اضافه کردن مواردی، موجب موفقیت می‌شود.

تصمیم گرفتم به جای نوشتن کتاب زندگی نامه‌ام، از حماقت‌هایم بنویسم.

چطور این کتاب را بخوانی؟ این کتاب هشت بخش دارد و هر بخش چندین که به حماقت‌های مرگبار و یک بخش پایانی اختصاص داده شده است که در بخش پایانی نشان می‌دهد چگونه از حماقت بپرهیزی. در هر بخش موارد حماقتی تصویر شده تا ببینی چگونه حماقت منجر به شکست می‌شود.

در ادبیات روانشناسی، به این واقعیت بسیار اشاره شده که ما روزانه ۳۵۰۰۰ تصمیم می‌گیریم که حدود ۷۰ مورد آن تصمیمات واقعی و آگاهانه هستند. برخی از این موارد به اینکه چه ببوشیم، چه بخوریم قبل یا بعد از رفتن به سر کار قهوه بخوریم و غیره مربوط

می شود .

آنچه در این کتاب آمده نه آن ۷۰ تصمیم معمولی روزانه، بلکه تصمیمات بزرگی است که روی مسیر شغلی زندگی خود یا زندگی فرزندان تأثیر می گذارد. به جای اینکه آن ها را تصمیمات بزرگ بنامم ترجیح می دهم آن ها را تصمیمات تکتونیکي (دگرگونی های پوسته زمین) بنامم. زیرا مانند فعالیت های پوسته زمین، این تصمیمات هم مهم ولی نادر هستند.

وقتی حس می کنی قلبت تند می زند و کف دستت عرق می کند، لطفاً تصمیم بگیر. این امر نشانه ی این است که در حال نزدیک شدن به یک تصمیم تکتونیکي هستی.

نفس عمیقی بگیر. مطالب مربوط به شکست را در صفحات بعدی مرور کن. هر جور شده از هفت حماقت مرگبار دست بردار. خوبی این کتاب این است که لازم نیست همه را یک جا بخوانی، می توانی هر بخش یا هر فصلی را به داخواه بخوانی.

حال برویم سر اصل مطلب تا یاد بگیریم که چگونه از شکست دیگران پیاموزی تا حماقت نکنی و تصمیم مناسب تری بگیری تا به موفقیت منجر شود.